

صدوقی سها قائل به استقلال فلسفه اسلامی است

«شب منوچهر صدوقی سها» به همت مجله فرهنگی و هنری «بخارا» وبا مشارکت «انجمن آثار و مفاخر فرهنگی» در «خانه اندیشمندان علوم انسانی» برگزار شد.



«شب منوچهر صدوقی سها» به همت مجله فرهنگی و هنری «بخارا» وبا مشارکت «انجمن آثار و مفاخر فرهنگی» در «خانه اندیشمندان علوم انسانی» برگزار شد.

به گزارش خبرنگار مهر، «شب منوچهر صدوقی سها» به همت مجله فرهنگی و هنری «بخارا» وبا مشارکت «انجمن آثار و مفاخر فرهنگی» در «خانه اندیشمندان علوم انسانی» برگزار شد. در این مراسم که با حضور جمع زیادی از استادان حکمت و عرفان اسلامی و علاقه مندان به حوزه فلسفه برگزار شد، مهدی محقق، رئیس هیأت مدیره انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، حکمت الله ملأ صالحی، عضو هیأت امنای بنیاد ایران شناسی، نصرالله حکمت، استاد فلسفه دانشگاه شهید بهشتی و حسن بلخاری، استاد دانشگاه تهران و رئیس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی سخنرانی کردند. محمد رضا شفیعی کدکنی، نجفقلی حبیبی، شهین اعوانی، سیدموسی دیباج، عبدالرحیم گواهی، محمد جواد حجتی کرمانی، سید محمود دعایی، ناصر نقویان، محمد رضا نوراللهیان، قاسم تبریزی، غلامعلی رجایی، سید محمد صادق قاضی طباطبایی، صالح نیکبخت، سعیدالجبار کاکائی و حمید عجمی هم میهمان ویژه این مراسم بودند. همچنین پیام تصویری احمد مهدوی دامغانی، استاد بازنشسته دانشگاه هاروارد هم در این برنامه برای حاضران پخش شد.

تألیف آثار متعدد فلسفی

مهدی محقق در ابتدای این مراسم گفت: یکی از امتیازات شریعت اسلام آن است که عالم را بر جاهل، برتری داده و اعلم را بر عالم مزیت داده است. پس هرچه بیشتر از دانشمندان تقدیر به عمل آوریم، کم است. اگر بخواهیم نسل جوان ما شیوه گذشتگان را در پیش بگیرند، باید اهل علم را گرمی بداریم.

او افزود: امروز جمع شده ایم از یکی از بزرگان، که هم در حقوق مهارت دارند و هم در فلسفه، تقدیر به عمل آوریم. استاد صدوقی سها، از نوادر کسانی است که به آن قسمت از تاریخ علم و فلسفه ایران توجه کردند که مهجور است. گفته شده مطالعات فلسفی در ایران، با این رشد ختم شد. اما این اشتباه است زیرا در ایران به برکت تشیع، در دوره ای فلسفه بالیدن گرفت که فرنگی ها از آن اطلاع ندارند. ما بعد از میرداماد، فلاسفه زیادی داریم از جمله حاج ملاهادی سبزواری که فلسفه را زنده نگه داشتند. فلسفه در وجود دانشمندان ایرانی عجین شده بود؛ حکیم کسی است که علم و حکمت (فلسفه) در وجودش مطرح باشد، این سنت از قدیم تا همین امروز در کشور ما بوده است. در تهران فیلسوفان بزرگی زیسته اند. در مدرسه سپهسالار، میرزا مهدی آشتیانی تدریس می کردند و میرزااحسن کرمانشاهی و میرزا ابوالحسن جلوه.

رئیس هیأت مدیره انجمن آثار و مفاخر فرهنگی تاکید کرد: صدوقی سها، بدون هیچ ادعایی و بی سرو صدا، آثار فلسفی فراوانی را تألیف به جامعه علمی ایران ارائه کرده است.

او در پایان گفت: فلسفه در ایران زنده است. اگر در مصر برخی سخن از فلسفه به زبان می آورند، در حقیقت تاریخ فلسفه می گویند، ولی در ایران فلسفه در وجود دانشمندان ما عجین شده است. در زمان ما فیلسوفان بزرگی زندگی کرده اند. در مدرسه سپهسالار قدیم که بنده افتخار طلبگی آنجا را دارم، میرزا مهدی آشتیابی فلسفه تدریس می کرد. در وقف نامه آن مدرسه آمده است که بهترین استاد فلسفه باید در اینجا تدریس کند. در وجود استاد صدوقی سها نیز فلسفه عجین شده است. ایشان طوری از مسائل فلسفه بحث می کند که انگار برای خودش این مسائل مطرح است.

نقد نظام دانایی

در ادامه این نشست حکمت الله ملاصالحی به ایراد سخن پرداخت و گفت: تمدن دوره جدید، بی شب ترین تمدن است؛ این تمدن، تمدن روز است و شب ندارد. در ادبیات عرفانی ما آنقدر از وجه رازآمیز شب سخن گفته شده که موجب حیرت است اما در دوره جدید، هیچ رویدادی به شب نسبت داده نمی شود ولی آقای دهباشی، این وجه رازآمیز را زنده کرد. در اشعار مولانا هم شب نقش تعیین کننده ای در انسان بودن ما و انسان ماندن ما داشته است. حافظ، شب آگاه ترین

شاعر تاریخ ما است.

او ادامه داد: مولانا درباره نقش تعیین کننده شب در انسان بودن و انسان ماندن ما می گوید: بی گاه شد بی گاه شد، خورشید اندر چاه شد / خیزدای خوش طالعان وقت طلوع ماه شد / ساقی به سوی جام روای پاسبان بر بام رو / ای جان بی آرام رو کان یار خلوت خواه شد». علاوه بر مولوی، حافظ شب آگاه ترین شاعر تاریخ ماست. برخی غزلیات حافظ مکاشفات وجودی انسان را نمایانگر است: «دوش وقت سحر از غصه نجاتم دادند / واندر آن ظلمت شب آب حیاتم دادند». همچنین می گوید: «دوش دیدم که ملائک در میخانه زدند / گل آدم بسرشتند و به پیمان زدن».

ملاصالحی تاکید کرد: تمامی ارزش های ما، روی تاریخ زلزله خیز بنا نهاده شده اند. اگر همه ارزش های ما روی این گسل های زلزله خیز تاریخ هستند، چرا از بین نمی روند؟ روزگار ما، زلزله خیزترین عصر تاریخ است. اندیشه های قطبی به موزه های تاریخ پیوسته اند. در چنین دورانی مشعل داران دانایی، با مجاهدت خویش، مشعل دانایی را زنده نگه می دارند. استاد صدوقی سها یک چنین شخصیتی است و این رسالت کمی نیست. شناخت، جسارت و دلیری به میدان آمدن و شناخت و نقد نظام دانایی و ارزشی دوره جدید، ویژگی دیگر ایشان است.

تاکید بر اصالت تفکر حکمای مسلمان

نصرتالله حکمت سومین سخنران این نشست بود. او در ابتدای سخنان خود گفت: به اعتقاد من، صدوقی سها، یک استاد فلسفه به معنای رایج و متعارف آن نیست که مباحث فلسفی را می دانند و آنها را در قالب تکرار مکررات، مطرح می کنند. ایشان یک فیلسوف است و دغدغه فلسفه و تفکر دارد و در یک سلوک عقلی و فلسفی به سر می برد.

او ادامه داد: صدوقی سها، بر خلاف آنچه مستشرقان می گویند، قائل به استقلال فلسفه اسلامی و اصالت تفکر حکمای مسلمان است و در کتاب اخیرش، «شناخت تاریخ استعلایی فلاسفه اسلامی»، این دغدغه را به خوبی نشان داده اند. امروز فلسفه اسلامی دچار انسداد و انجماد شده است. صرف خواندن فلسفه اسلامی، به معنای جریان و نشاط آن نیست. ارتباط فلسفه اسلامی با زندگی امروز قطع شده است و نمی تواند درباره مسائل اجتماعی و سیاسی حرف بزند. این وضعیت هم عامل بیرونی دارد هم درونی. عامل بیرونی آن، مطالعات مستشرقان است که فلسفه اسلامی را حاشیه نشین فلسفه یونان و نوعی کلام می دانند که با مرگ ابن رشد، به پایان رسیده است. عامل درونی آنکه باعث انجماد فلسفه اسلامی شده، آن است که ما دست به چند تقلیل وحشتناک زده ایم.

استاد فلسفه دانشگاه شهید بهشتی افزود: جناب استاد صدوقی سها، با نوشتن آثاری، دغدغه خود درباره جریان فلسفه اسلامی را نشان می دهند. نکته دیگر، توجه ایشان به جوانی از فلسفه اسلامی است که هیچ کس به آن توجه نکرده است. ما گمان می کنیم بعد از صدرا فلسفه اسلامی تعطیل شده ولی ایشان دوره صدرا تا امروز را مطالعه کردند و فلاسفه را به ما شناساندند. نکته سوم آنکه ایشان درباره چگونگی اسلامیت این فلسفه بحث کرده اند. وجه دیگر شخصیت ایشان آن است که در حالی که امروز ارتباط بین استادان و متفکران فلسفه برقرار نیست و آنها با هم گفتگو نمی کنند و توجه به آرا دیگران ندارند، ولی استاد صدوقی به آرا دیگران توجه دارند.

حکمت در پایان سخنان خود گفت: نحوه تدریس فلسفه اسلامی در دانشگاه های کشور را هم مورد نقد قرار داد و گفت: چهل سال از انقلاب اسلامی ایران می گذرد و ما به فرزندانمان در دانشگاه آثاری را تدریس می کنیم که دیگران برای ما نوشتند. تاریخ فلسفه اسلامی را دیگران نوشتند و ما آن را ترجمه کردیم. وقتی دانشجویان این کتاب ها را می خوانند، خ حق دارند که از فلسفه فرار کنند. یک عامل درونی هم داریم که سبب شده فلسفه در زمستان به سر ببرد و آن اینکه ما دست به چند تقلیل وحشتناک زدیم. اولاً فلسفه اسلامی ای که از کندی آغاز می شود را دادیم به ملاصدرا و حکمت متعالیه تقلیل داده ایم سپس ملاصدرا را هم تقلیل دادیم به کتاب اسفار. کتاب اسفار را هم تقلیل دادیم به چند بحث خاص، آن هم با روایت های محدود از چندتن از افراد. لذا معتقدم علامه طباطبایی کتاب «بدایه الحکمه» را برای تدریس دانشگاه ننوشته است و ما به خاطر فقر متون درسی، بدایه را تدریس می کنیم. تدریس بدایه در دانشگاه سم مهلک است. چرا؟ چون علامه طباطبایی این کتاب را برای طلاب نوشته است، اما امروز من باید برای دانشجویی که هگل و فوکو می خواند، بدایه تدریس کنم. این دانشجو نمی داند این فلسفه کدام مسئله را در عالم حل می کند. چهارصد سال است داریم تکرار می کنیم وجود اصیل است. انگار سوره حمد است که باید در هر نماز آن را تکرار کنیم! این تقلیل موجب انجماد فلسفه به خصوص فلسفه اسلامی شده است.

فیلسوف وارسته

آخرین سخنران این برنامه حسن بلخاری بود. او در ابتدای سخنان خود گفت: بحثم را با نام استاد صدوقی سها آغاز می‌کنم. می‌خواهم از کلمه «منوچهر» بگویم. کلمه «چهره گشا» اصطلاحی است که در عصر صفوی برای نقاشان استفاده می‌کردند. چهره گشودن به معنای کشف بطن چهره است. نقاش مکلف به این است که به معنا بنگرد و نقش را از معنا وام بگیرد. کلمه «منوچهر» در اصل «مینوچهر» است یعنی آنکه چهره مینوی دارد. به عبارت دیگر، یعنی کسی که باطن مینوی دارد. بنا بر این معنا و به نقل فلسفه فلوطین، صورت از سیرت می‌زاید و ظاهر از باطن می‌زاید. لذا وقتی می‌گویند «منوچهر» صورت را به سیرت و ظاهر را به باطن وصل می‌کنند.

رئیس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ادامه داد: دومین واژه، کلمه «صدوق» است. ظاهراً جد استاد صدوقی، شیخ صدوق است. باید عرض کنم ایشان قطعاً یکی از بزرگترین علمای رجال فلسفی هستند. در فلسفه کسی را نداریم که مانند ایشان سلسله حکماً را بشناسد و بیان کند. مسئله بعدی در خصوص جناب صدوقی سها بحث واریستگی ایشان است. مهم‌ترین جان مایه حکمت، واریستگی از عمل است و تا عمل را خالصانه به پیشگاه حق تقدیم نکنیم ارزشی ندارد. این واریستگی را بنده در استاد صدوقی سها همواره مشاهده کرده‌ام.

استاد دانشگاه تهران در پایان سخنان خود بیان کرد: یک فعالیت علمی را در انجمن آثار و مفاخر فرهنگی با مشارکت استاد صدوقی سها آغاز کرده‌ایم که ایشان بر مبنای این کار می‌خواهند ریشه‌های اسلامی فلسفه را بیان کنند، این البته به معنای یونانی‌زدایی از فلسفه نیست. در حقیقت ایشان می‌خواهند ریشه استدلال‌های فلسفی را بر مبنای قرآن کریم و بیانات امامان معصوم (ع) بیان کنند.

در ادامه این برنامه پیام تصویری احمد مهدوی دامغانی، هم‌پخش شد که این استاد برجسته طی این پیام ضمن بیان نحوه آشنایی خود با صدوقی سها، نکاتی رادرباره شخصیت علمی و فلسفی این استاد حکمت و عرفان اسلامی بیان کرد.

اهمیت ساحت تفکر

در پایان این برنامه، منوچهر صدوقی سها، طی سخنانی گفت: با صراحت باید خدمت همه دوستان و استادان به خصوص آقای علی دهباشی سردبیر محترم مجله بخارا که زحمت برگزاری این جلسه را کشیده‌اند، عرض کنم که در خاطر من فقط شرمندگی است که می‌گذرد. اما آنچه مرا آرام می‌کند آن است که درحقیقت حکمای حاضر در این برنامه با بنده کاری ندارند، بلکه سخن از تکریم فکر و تفکر است که اهمیت دارد.

او در ادامه از استادان خود چون علامه محمد کاظم عصار، آیت‌الله محمد علی حکیم شیرازی، میرزا عبدالکریم روشن، آیت‌الله علی محمد جولستانی و سخن گفت و درباره مقام علمی و نحوه تاثیرگذاری این استادان و فلاسفه عصر قدیم بر شاگردان و عرصه تفکر ایران سخنان مبسوطی را بیان کرد.

پس از سخنان صدوقی سها، به پاس خدمات علمی و فرهنگی این پژوهشگر و استاد حکمت و عرفان اسلامی، لوح تقدیر «موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران» و «انجمن آثار و مفاخر فرهنگی» با حضور «شهین اعوانی» و «حسن بلخاری» به او اهدا شد.